

تحرکات دیپلماتیک نشان می دهد که پرونده ایران، برخلاف ادعاهای برخی طرف ها، نتهتا از دستور کار قدرت های جهانی خارج نشده بلکه یکی از محورهای ثابت معادلات امنیتی منطقه ای و حتی جهانی است. در سند جدید راهبرد امنیت ملی آمریکا، دولت ترامپ مدعی شده که ایران «مهم ترین نیروی بی ثبات کننده در خاورمیانه» است. همچنین ادعاهایی درباره آسیب دیدن توان هسته ای ایران پس از عملیات های نظامی آمریکا و اسرائیل در خاک ایران مطرح شده است. این سند ادعا می کند که یکی از منافع حیاتی واشنگتن «جلوگیری از افتادن منابع انرژی خلیج فارس به دست دشمنان» و تضمین باز ماندن تنگه هرمز است. اقتصادانلاین نوشت: در بخشی دیگر، دولت آمریکا مدعی است دونالد ترامپ در دوره حضور خود میان ایران و اسرائیل نوعی توافق ایجاد کرده است؛ ادعایی که با واکنش های تردیدآمیز در محافل دیپلماتیک روبه رو شده، اما نشان می دهد واشنگتن همچنان پرونده ایران را محور سیاست خاورمیانه ای خود می بیند.

◀ شروط آمریکا برای توافقی

در چنین فضایی، اظهارنظر های مقامات آمریکایی درباره مذاکره با ایران نیز ادامه دارد. توماس باراک فرستاده ویژه آمریکا در امور سوریه و لبنان مدعی شده که ترامپ «مایل به رسیدن به توافق با ایران است»، اما تنها در صورتی که «تهران اراده واقعی» برای پیشبرد این فرایند نشان دهد. او در حالی که تلاش می کرد ایران را مقصر عدم توافق نشان دهد مدعی شد: «نمی توان ایران را وارد گفت وگو کرد در حالی که رقابت های منطقه ای ادامه دارد». این مقام آمریکایی همچنین تأکید کرده دولت ترامپ به دنبال «تغییر نظام در ایران» نیست؛ موضعی که، به باور تحلیلگران، می تواند بخشی از تلاش واشنگتن برای کاهش حساسیت ها و آماده سازی افکار عمومی برای بازگشت به میز مذاکره باشد. با این حال، فقدان نقشه راه مشخص و تناقض میان رویکرد امنیتی کاخ سفید و ادعاهای دیپلماتیک آن، همچنان یکی از موانع اصلی احیای گفت وگوها محسوب می شود. هرچند شروط آمریکا برای مذاکره به شکل رسمی اعلام نشده، اما برخی اظهارنظر های غیررسمی نشان می دهد که این شروط شامل، نقش منطقه ای، برنامه موسکی و توقف غنی سازی در خاک ایران است. در مقابل، اما ایران اعلام کرده که این شروط خطوط قرمزى هستند که تهران از هیچ یک از آنها کوتاه نخواهد آمد.

◀ تحرکات دیپلماتیک

فراتر از سیگنال ها و تحرکات میان ایران و آمریکا، دیگر کشور ها نیز در روزهای اخیر موضوع ایران را مورد توجه قرار دادند. سران روسیه و هند در دیدار با یکدیگر بر ضرورت گفت وگو برای حل و فصل برنامه هسته ای ایران تأکید کرده اند. در نشست سران مسکو و دهلی نو، ولادیمیر پوتین و ناراند اودی نمین تأکید بر همکاری راهبردی، خواستار پیگیری دیپلماتیک پرونده هسته ای ایران شدند. این موضع نشان می دهد این دو کشور برخلاف واشنگتن، رویکردی مبتنی بر چند جانبه گرایی و تعامل را ترجیح می دهند.

◀ منبر میانی می شود؟

در چنین شرایطی، مصر نیز تحرکات دیپلماتیک خود را افزایش داده و در تماس های جداگانه با وزیر خارجه روسیه و مدیرکل آژانس بین المللی انرژی اتمی، بر ضرورت از سرگیری گفت وگوهای جامع درباره پرونده هسته ای ایران تأکید کرده است. قاهره این گفت وگو ها را برای ثبات منطقه ضروری می داند؛ موضعی که بیانگر نگرانی کشورهای عربی از پیامدهای تناوم بن بست هسته ای است. نقش مصر در حالی برجسته شده که پیش از فعال شدن مکانیسم حل اختلاف (اسنپ یک)، توافقی در قاهره میان ایران و آژانس بین المللی انرژی اتمی شکل گرفت، اما پس از فعال شدن اسنپ یک سید عباس عراقچی وزیر خارجه اعلام کرد که این توافق از موضوعیت خارج شده است.

◀ سناریوهای پیش رو

هم زمان با تمرکز بر پرونده ایران، تحولات منطقه ای از جمله تنش های مرزی افغانستان و پاکستان، منازعات در خلیج فارس و رقابت های ژئوپلیتیکی جدید باعث شده پرونده هسته ای تهران بخشی از یک پارل بزرگ تر امنیتی تلقی شود. برای بسیاری از پایتخت های منطقه، وضعیت ایران نه تنها یک موضوع هسته ای بلکه مسالهای مرتبط با امنیت خطوط انرژی، آینده نظم منطقه ای و توازن قدرت میان بلوک های غربی و شرقی است. به نظر می رسد که در چنین چشم اندازی، چند سناریو محتمل است. نخست، تشدید فشارهای آمریکا بر پایه مفاد سند راهبرد امنیت ملی، که می تواند به افزایش تنش های نظامی و اقتصادی در منطقه منجر شود. سناریوی دوم، حرکت به سمت نوعی توافق محدود یا موقت است؛ توافقی که در واشنگتن و برخی پایتخت های اروپایی در حال بررسی است و حمایت بازگران جهانی و منطقه ای نیز می تواند آن را تسهیل کند. اما این احتمال وجود دارد که وضعیت مبهم کنونی نیز استمرار یابد. وضعیتی که نه تنها به افزایش ابهام در بازار انرژی منجر می شود، بلکه خطر محاسبه اشتباه و درگیری ناخواسته را افزایش می دهد. با این همه، ایران همچنان یکی از محورهای اصلی رایزنی های منطقه ای و جهانی باقی مانده است. محوری که هرگونه تغییر در آن می تواند به سرعت معادلات امنیتی خاورمیانه و حتی فراتر از آن را دگرگون کند.

امیر دبیری مهر در گفت وگو با «آرمان ملی» مطرح کرد

بی خبری روشنفکران خارج نشین از زیست جامعه در ایران

عبدالکریم سروش دچار تأخر رخدادی تاریخی شده است

روشنفکران خارج نشین از زیست جامعه در ایران بی خبرند



شنبیدند و تنها گفتند دعا کنید که پیشی مردم سرشمرده نباشیم». در ابتدا باید به بهانه این تماس تلفنی که همان بیانیه است اشاره کنیم که از معدود کنش های روشنفکران خارج از کشور محسوب می شود. کنششی که البته در جای خود حرکتی منسجم و در راستای منافع ملی به شمار می آید. غنای علمی و فلسفی سروش بر کسی پوشیده نیست و نگارنده نیز قصدی برای به چالش کشیدن ایشان ندارد. باین حال، اگر به متن این گفت وگویی کوتاه تلفنی توجه کنیم، خواهیم دید که دکتر سروش به مسالهای اشاره کرده اند که هرچند روزگاری یکی از نگرانی های جدی جامعه مدنی بود، اما سال هاست که خوشبختانه صورتی سریالی و فراگیر ندارد. موضوع مورد اشاره ایشان به پرونده ای بازمی گردد که ریشه در سال ۱۳۹۳ دارد، حال آنکه امروز اسیدپاشی نمود و موضوعیت ندارد. امروز تقابل در چنین موضوعاتی در سطح مصوبات مجلس و رفتارهای گروه ها برمی گردد. این نکته خود نشان دهنده شکافی عمیق میان جامعه روشنفکر خارج نشین و جامعه کنونی ایران است؛ جامعه ای که امروز با چالش های گسترده تری همچون فقر، بیکاری، بحران سیاست خارجی و فاصله روزافزون میان دولت و ملت دست به گریبان است. در ادامه همان گفت وگویی پیشین، یار دیگر با امیر دبیری مهر، پژوهشگر جامعه شناسی سیاسی و رئیس مؤسسه پژوهشی اندیشه و قلم، به گفت وگویی تفصیلی نشستیم. او بر این باور است که براساس همین دیالوگ کوتاه میان دکتر سروش و رئیس جمهور، می توان دریافت روشنفکران خارج نشین از زیست واقعی جامعه ایرانی امروز بی خبرند. آنچه در پی می آید مشروح این گفت وگوست.

می گویم «ادراک کردن» درد و مشکل بسیار عمیق تر و اثرگذارتر از «اطلاع یافتن» از آن است. چه بسا این خلأ را تنها «همزیستی»، «تجربه کردن» و «لمس کردن» بتواند پر کند. بسیاری از سیاستمداران، مدیران و تصمیم گیران از رخداد های ناگوار و نابسامانی های اجتماعی باخبرند، اما آنها را «لمس» نمی کنند و «درک» نمی کنند. گاهی این شکاف میان خبردار بودن و ادراک و فهم و لمس کردن، فاصله ای است از «فرش تا عرش». یکی از مسائل قابل توجه در مطالعه وضعیت روشنفکری ایران، سرنوشت روشنفکران و متفکرانی است که به خارج از کشور مهاجرت کرده اند. برخلاف تصور رایج، مشکل آنان در محیط جدید نه کمبود امکانات مالی است و نه محدودیت های سیاسی یا سانسور، بلکه نبود بستر فرهنگی، تاریخی و اجتماعی مناسب برای تداوم رایش فکری است. روشنفکر مانند گیاهی است که تنها در خاک و زیست بوم فرهنگی خود می تواند به شکوفایی برسد. به همین دلیل، بسیاری از چهره های اثرگذار پس از مهاجرت، حضور فکری و فرهنگی پیشین خود را از دست داده اند.

روشنفکر مانند گیاهی است که تنها در خاک و زیست بوم فرهنگی خود می تواند به شکوفایی برسد. به همین دلیل، بسیاری از چهره های اثرگذار پس از مهاجرت، حضور فکری و فرهنگی پیشین خود را از دست داده اند

◀ در مورد چهره هایی که بعد از مهاجرت تا حدودی کم تاثیر شده اند با هم می توانید مثال هایی بزنید؟

چون روند مهاجرت در سال های اخیر سرعت پیدا کرده است و بسیاری از چهره های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و ورزشی و... کشور را ترک کرده اند آمار دقیقی در دست نیست ولی در این مورد آنچه به ذهنم می آید را نام می برم. از نمونه های برجسته این روند می توان به موارد زیر اشاره کرد؛ دکتر حسین بشیریه، در دوره حضور در ایران، یکی از اثرگذارترین چهره های علوم سیاسی بود، اما پس از مهاجرت به آمریکا، به دلیل فاصله گرفتن از بستر اجتماعی ایران، نقش و برد فکری او کاهش یافته است. دکتر جواد طباطبایی، تا زمانی که در ایران بود، بخشی از فضای فکری کشور حول محور آثار او می چرخید، اما با مهاجرت، تأثیرگذاری او نیز فروگاسته شد. بهرام بیضایی با وجود منزلت بی بدیل در هنر نمایش ایران، سال های فعالیت او در خارج کشور اثر کمتری بر فضای هنری ایران داشته است. اصغر فرهادی، آثار او در دوره حضور در ایران ارتباط و نفوذ بیشتری داشت، در حالی که آثار دوران زندگی خارج از ایران کمتر با مخاطب ایرانی ارتباط برقرار می کند. ابراهیم نبوی، طنزپرداز که نوشته هایش در ایران جریان ساز و پرخواننده بود، اما در مهاجرت عملاً اکوسیستم لازم برای تداوم کار فکری خود را نیافت و به وضعیت انسانی تلخی دچار شد. بر این اساس، می توان گفت که روشنفکری و تولید اندیشه امری وابسته به زمینه است؛ زمینه ای که تنها در بستر فرهنگ، اجتماعی و تاریخی ایران برای این افراد فراهم بوده است. مهاجرت، هرچند می تواند محدودیت ها را از میان بردارد، اما آن «ریشه» و «خاک» لازم برای رایش اندیشه را فراهم نمی کند؛ بنابراین بسیاری از روشنفکران مهاجرت کرده به رکود یا کم اثرشدن دچار می شوند.

چالش جذب نسل جوان درباره روشنفکران خارج از کشور به شکلی مضاعف خود را نشان می دهد. آنان از زیست جهان نسل جدید و مردم در ایران بی خبرند و آن را، دست کم به طور دقیق، ادراک نمی کنند

◀ باتوجه به اینکه دلیل طرد شدن روشنفکران داخلی را چالش های معیشتی عنوان کردید، به نظر در کشورهای توسعه یافته که چهره های روشنفکری آنها را انتخاب کرده اند غم نان به آن شکل وجود ندارد، شرایط زیستی آنها چگونه است و چرا از جامعه فاصله گرفته اند؟

در خصوص چالش های اقتصادی و مسائل معیشتی نظیر فقر و... در خارج از ایران، باید گفت آسیب ها هم جا وجود دارد، هرچند کم و کیف آن متفاوت است. روشنفکران ایرانی نیز این آسیب ها را درک می کنند و می بینند؛ همان گونه که نقاط قوت و پیشرفت ها را می بینند، عقب ماندگی ها و آسیب های اجتماعی در کشورها ی غربی و توسعه یافته را نیز مشاهده می کنند. اما نکته مهم این است که بحث ما ارتباط با ایران و ارتباط با نسل نوجوان و جوان رو به شکوفایی کشورمان است. از این جهت می توان گفت آنان نسبت به مختصات جامعه ایران به شدت در حال تغییر و دگرگونی است، بی اطلاع اند. حتی شخصیتی مانند آقای دکتر عبدالکریم سروش نیز در ویدئویی که اخیرا درباره محورهای گفت وگویی تلفنی خود با رئیس جمهوری در نیویورک منتشر کرد به مساله اسیدپاشی اشاره می کند. اسیدپاشی مربوط به ده تا یازده سال قبل است، درحالی که امروز مسائل مهم تری در حوزه اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و بین الملل مطرح است که رئیس جمهور در برابر آنها زیر فشار مطالبات اجتماعی، به ویژه نسل جدید، قرار دارد، مسائلی مانند رفع فیلترینگ، موضوع حجاب، معیشت مردم، سیاست خارجی، رفع تحریم ها و مسائل مشابه هم در این دسته قرار می گیرد. می بینید که آقای سروش با اینکه فردی پیگیر و علاقه مند به مسائل داخل ایران است به این مسائل اشاره نمی کند و دچار تأخر رخدادی و تاریخی نسبت به تحولات ایران است.

◀ آسبایی که به آن اشاره کردید، چگونه می تواند کمرنگ شوند؟

هم این آسیب ها و تحلیل ها زمانی جالب تر می شود که به یاد داشته باشیم ما امروز در عصر ارتباطات زندگی می کنیم؛ عصری که سرشار از تعاملات ارتباطی، تولید انبوه محتوا، شبکه های وسیع اجتماعی و شبکه های تلویزیونی رایگان است که با زتاب دهنده وضعیت ایران و جهان اند. تحلیلگران، روشنفکران، متفکران و صاحب نظران در این شبکه ها و تلویزیون های اینترنتی حضور می یابند، سخن می گویند و تلاش می کنند فاصله های زمانی و مکانی را کاهش دهند تا روشنفکران، متفکران و استادان دانشگاه خارج از کشور از وقایع داخل بی خبر نمانند و متفکران داخل نیز از تحولات جهانی غافل نشوند. باین حال، اهمیت مساله «حضور»، «ادراک» و «زیست» در یک وضعیت زمانی مکانی همچنان با برجاست. این امر تأثیری بنیادین بر ذهن، اندیشه و دیدگاه انسان دارد. این نکته را می توان با بختی که در حوزه حکمرانی و علوم سیاسی مطرح می شود مرتبط دانست؛ آنجا که

◀ در ابتدا بهتر است از اینجا شروع کنیم، شاید جامعه روشنفکر خارج نشین با نسل های دهه های چهل، پنجاه و حتی شصت رابطه ای داشته باشند اما آیا توانسته اند با نسل جدید با همان نسل z اتصال داشته باشند؟

در خصوص جلب توجه نسل جدید از سوی روشنفکران خارج از کشور، دو نکته قابل ذکر است. نکته نخست آن است که، همان گونه که در گفت وگویی پیشین که به روشنفکران داخلی ارتباط داشت عرض کردم، به طور کلی روشنفکران در نوعی اغما و کما بسر می برند و چه در داخل و چه در خارج از کشور نتوانسته اند با این نسل ارتباط و تعامل مؤثری برقرار کنند؛ ضمن آنکه نسل جدید نیز دغدغه ها و تمایلاتش معطوف به نسل روشنفکر و گروه های روشنفکری نیست و بیشتر دنبال روسلبیرتی های فضای مجازی هستند. اما این چالش جذب نسل جوان درباره روشنفکران خارج از کشور به شکلی مضاعف خود را نشان می دهد. آنان از «زیست جهان» نسل جدید و مردم در ایران بی خبرند و آن را، دست کم به طور دقیق، ادراک نمی کنند؛ لمس نمی کنند و برایشان محسوس نیست. آنچه امروز در ایران وجود دارد در حوزه اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، محیط زیستی، جمعیت شناختی، مرکز پیرامون و بسیاری مسائل دیگر برای آنان به واسطه نبودن در ایران و نداشتن ارتباط عینی و فیزیکی، محسوس نیست و همین امر سبب انفعال و انقطاع ارتباطی میان روشنفکران خارج از کشور و فضای داخل شده است. به همین دلیل، با اینکه در میان روشنفکران خارج از کشور افراد صاحب فکر، صاحب نظر، صاحب سابقه و دارای پیشینه های درخشان علمی و پژوهشی فراوان اند مانند آقای دکتر داریوش آشوری، آقای دکتر خسرو خاور، آقای دکتر علی میرسپاسی و نیز آقای آصف بیات، می بینیم که این چهره ها ارتباط چندانی با فضای داخل ایران ندارند و در قبال مسائل حاد جامعه ایران کمتر اظهارنظر می کنند؛ گویی در جهان یا سیاره دیگری زندگی می کنند.

بسیاری از مدیران و تصمیم گیران از رخداد های ناگوار و نابسامانی های اجتماعی باخبرند، اما آنها را لمس و درک نمی کنند. گاهی شکاف بین خبردار بودن و ادراک و لمس کردن، فاصله ای است از فرش تا عرش

◀ بخشی از جامعه روشنفکر مهاجرت کرده خود را روشنفکران دینی نامیده اند این طیف چه وضعیت را دنبال می کند؟

بله، در همین مورد باید اضافه کنم که حتی فردی مانند آقای محسن کدیور، که روحانی و روشنفکر دینی مقیم خارج است در برابر مسائل بسیار مهم، مجال آفرین و مورد توجه داخل کشور بی توجه است؛ مثلاً در ماجرای منظره اخیر درباره وقایع صدر اسلام، ایشان سکوت اختیار کرده بود یا دست کم اگر سخنی گفته، چندان مورد استقبال قرار نگرفته است. یاد درباره آقای آشوری، اخیراً مصاحبه ای از ایشان با آقای میردامادی خواندم که به نظر می رسید بیشتر آقای میردامادی سخن می گفت تا آقای آشوری و آقای آشوری با وجود تخصص در زبان و واژه سازی و گفتمان سازی، چندان در بطن فضای زبان و تحولات زبانی ایران قرار نداشت این دو مورد به خوبی شرایط این طیف را نشان می دهد.

◀ ذره بین

روز مقابله دانشجویان با سلطه گری و نظام سلطه

کرسی های آزاداندیشی فرصت مهم برای گفت وگو

دانشگاه از مهم ترین و حساس ترین مراکزی است که نقش عمده و مهمی در استقلال کشور ایفا می کند، چراکه اکثر مدیران جامعه از بین فارغ التحصیلان دانشگاه ها و مراکز تعلیم و تربیت انتخاب می شوند، از این رو این نهاد علم همواره مورد تهاجم سلطه در جهان بوده است تا از این طریق با پرورش مهره ها و دست نشانده های خود آینده را رقم بزنند. بر این اساس بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران چه در طول نهضت مبارزه با رژیم پهلوی و چه پس از پیروزی انقلاب اسلامی نکات مهمی را درباره دانشجویان بیان کردند؛ نکاتی که همچنان برای جنش دانشجویی ناگزای دارد.

◀ توصیه های پدربه امام

در صحیفه حضرت روح... آمده است: «وصیت اینجناب به جوانان عزیز، دانشسراها و دبیرستان ها و دانشگاه ها آن است که خودشان شجاعانه در مقابل انحرافات قیام کنند تا استقلال و آزادی خود و کشور و ملت خودشان مصون باشد. دانشگاهی ها بدانند، همانطور که یک مجتهد در سرنوشت خود باید دخالت کند، یک دانشجوی جوان هم باید در سرنوشت خود دخالت کند، فرق ما بین دانشگاهی و دانشجو و مثلاً مدرسه ای و اینها نیست، همه شان با هم هستند». یک توصیه دیگر امام به فرزندان خود، حفظ و دفاع از استقلال ملی بود. ایشان می فرمایند: «بزرگترین وابستگی ملت های مستضعف به ابرقدرت ها و مستکبران، وابستگی فکری و درونی است که سایر وابستگی ها از آن سرچشمه می گیرد. شما استادان و فرهنگیان، دانشجویان، دانشگاه ها و دانشسراها، باید کوشش کنید و مغزها را از این وابستگی فکری شستشو دهید تا با این خدمت بزرگ و ارزنده، ملت و کشور خود را نجات دهید». ایشان در بیانات متعدد خویش با عبارات گوناگون این مطلب مهم را متذکر شده اند که «دانشگاه، مبداء همه تحولات است». هم چنین در مواردی دیگر با بکارگیری واژگانی همچون «مقدرات» و «سرنوشت»، دانشگاه را منشأ این مقدرات و سرنوشت می داند و آن را در رأس امور می خواند؛ از جمله «مقدرات این مملکت، دست این دانشگاهی هاست»، «از دانشگاه باید سرنوشت یک ملت تعیین شود» و «دانشگاه که رأس امور هست و تقدیرات یک کشوری، مقدرات یک کشوری بسته به وجود آنهاست، باید جدیت کنند که روی خودشان را از غرب و شرق برگردانند». از بیانات امام (ره) می توان نتیجه گیری کرد که از «موانع» رشد و استقلال دانشگاه ها و اتکا به خود و خودکفایی، نفوذ آن دسته از افکار غربی و شرقی است که باعث می شوند ملت ما، بویژه دانشگاهیان، به دنباله روی از آن افکار و بیگانگی از خود و در نتیجه تسلیم در برابر خواسته ها و منافع مستکبران کشانده شوند و هدف این است که آن افکار را بر اقتصاد، فرهنگ و سیاست ما مسلط کنند و ما را از خویشین خویش و استقلال و خودکفایی خالی سازند تا همواره چشم مان در پی آنها باشد و اهداف و آمال و روزهایمان را در وجود آنها و در تسلط و رهبری آنها بر خود یافت کنیم.

◀ کرسی های آزاداندیشی

کرسی های آزاداندیشی یک فرصت مهم و سازنده برای ترویج گفت وگو، تبادل نظر و تفکر انتقادی در جامعه است. اینگونه نشست ها نقش مؤثری در رشد فکری، فرهنگی و اجتماعی دارد و یکی از شخصیت های شاخص که همواره بر برگزاری این نشست ها و بیداری و هوشیاری دانشجویان تأکید می کنند، شخص اول نظام جمهوری اسلامی است. رهبر انقلاب سال ۸۸ در دیدار با اساتید گفت می بیند: یکی از کارهایی که باید در زمینه مسائل گوناگون اجتماعی و سیاسی و علمی انجام گیرد، میدان دادن به دانشجو برای اظهار نظر است. از اظهار نظر، هیچ نباید بپیماک بود. این کرسی های آزاداندیشی که ما گفتیم، در دانشگاه ها باید تحقق پیدا کند و باید تشکیلاتی، اگر چنانچه بحث های مهم تخصصی در زمینه سیاسی، اجتماعی و در زمینه های گوناگون حتی فکری و مذهبی، در محیط های سالمی بین صاحبان آوان و قدرت بحث مطرح شود، مطمئناً ضایعاتی که از کشاندن این بحث ها به محیط های عمومی و اجتماعا ممکن است پیش یابد، دیگر پیش نخواهد آمد. پند و اندرزها فقط محدود به دانشجویان و جوانانی که امروز به عنوان «نسل زد» شناخته می شوند نمی شود، بلکه شامل اساتید و صاحب نظران علمی هم شده است. افرادی که با مشورت های خود می توانند به سؤالان بخصوص دولتی ها کمک کنند. موضوعی که بارها از سوی رئیس دستگاه اجرایی کشور در عصر وفاق ملی مطرح شده و نشان از پالس مثبت قوه مجریه با نهاد علم و دانشگاه است.

◀ نتیجه گیری

آنچه منجر به ثبت روز دانشجو در تقویم سیاسی ایران شد نشان می دهد، ۱۶ از سال ۲۳ لخطه تولد شعار «مرک بر آمریکا» و مخالفت با نظام سلطه و سلطه گری در دانشگاه بود که موجب تحولی غلظید در سطح جامعه برای حرکت در مسیر انقلاب شد. به همین خاطر روز دانشجو، روز تبیین ماهیت استکبارستیزی و مقابله همه جانبه با نفوذی است که دشمن آن را برای دانشگاه ها هدف گذاری کرده است. دانشگاه و دانشجویان ایرانی هم در طول بیش از چهار دهه از عمر انقلاب اسلامی با بهره گیری از غلایت و سرمایه اجتماعی، جریان های فکری و فرهنگی سازنده ای را در مسیر تعالی ایران و سامان اجتماعی ایجاد و هدایت کرده اند و امروز نیز، در مقطع حساس کنونی که ملت های مظلوم جهان از جمله مردم مقاوم و مظلوم غزه و فلسطین با حملات و پیمان شکنی های رژیم محاسب صهیونیستی مواجه اند، نقش دانشگاهیان به عنوان موتور پیشران در آگاهی بخشی، روشنگری و تولید گفتمان های سازنده بیش از هر زمان دیگری برجسته است.